

بررسی تحلیلی میراث زوجه از اموال شوهر در فقه امامیه و حقوق ایران

محمد روشن\* مجید صادق نژاد نائینی\*\* سید محمدمهدی خلیل زاده\*\*\*

#### چکیده

مسئله سهم الارث زوجه از اموال شوهر یکی از مباحثی که به طور ویژه‌ای به آن پرداخته شده است. در مورد محرومیت زوجه از ارث بردن بعضی از ترکه شوهر که از منفردات امامیه است و بر آن ادعای اجماع شده است، اتفاق نظر کامل وجود ندارد و آرا و عقاید مخالف نیز وجود دارد. در مورد انواع اموالی که زوجه از آنها ارث نمی‌برد و همچنین در مورد اینکه این حرمان اختصاص به زوجه غیر ذات ولد دارد یا مطلق زوجه، به سبب اختلاف روایات، اقوال و آرا متفاوتی از جانب فقها ابراز گردیده است. حقوقدانان نیز به پیروی از فقها نظرات مختلفی در این خصوص ارائه نموده‌اند. اخیراً مجلس شورای اسلامی نیز در جهت حمایت از حقوق زنان و اجرای عدالت از نظر فقها و حقوقدانانی پیروی

m-roshan@sbu.ac.ir

\* عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

\*\* دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی - دانشگاه سبزوار

\*\*\* کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: 1393/4/4

تاریخ دریافت: 1393/12/21

کرده است که زوجه را به طور مطلق، چه ذات ولد و چه غیر ذات ولد، مستحق ارث‌بری از تمام اموال زوج - از عین اموال منقول و از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان می‌داند.

واژه‌های کلیدی: میراث زوجه، زوجه ذات ولد، زوجه غیر ذات ولد، حرمان زوجه.

### 1. مقدمه

مسئله میراث که در واقع، تعیین تکلیف اموال و دارایی آدمی بعد از فوت اوست از گذشته‌های بسیار دور مورد توجه بوده است و اقوام و ملل گذشته بر حسب قواعد و آداب و سنن اجتماعی و مذهبی به تقسیم اموال مبادرت می‌کردند. علی‌الاصول معیار انتقال اموال انسان به دیگران، پس از فوت او، وجود نوعی علقه و رابطه میان متوفی و کسانی است که بعد از او اموالش را تصاحب می‌کنند و قاعدتاً هر چه درجه علقه و نزدیکی شخص با متوفی بیشتر باشد، در تصاحب اموال او اولویت بیشتر دارد. علقه‌ای که موجب وراثت یکی از دیگری می‌شود یا علقه نسبی است و یا علقه سببی (مهرپور 1376: 7). در حقوق ایران که مبتنی بر فقه حقه شیعه جعفری است، زن مانند مرد هم از حیث نسب و هم از حیث سبب، ارث می‌برد ولی در میزان سهم الارث با مرد یکسان نیست و علی‌الاصول سهم الارث او نصف سهم الارث مرد است. در زمینه میراث زوجه و به خصوص محرومیت زوجه از ارث‌بردن بعضی اموال شوهر که از منقرات مذهب امامیه است، در کتب فقهی در باب ارث و همچنین در رسالات مستقلى که توسط برخی از فقها به رشته تحریر در آمده است، تحلیل و بررسی‌های زیادی انجام شده و آرا و نظرات متفاوتی ارائه گردیده است. فقهای امامیه، به جز ابن جنید، به حرمان زن فی‌الجمله از چیزی از عین ترکه اتفاق نظر دارند اما در بیان اینکه این حرمان اختصاص به زوجه غیر ذات ولد دارد یا شامل زوجه به‌طور مطلق می‌شود به سبب اختلاف روایات، عقاید متفاوتی دارند. لذا موضوع میراث زوجه از ترکه شوهر

را در قالب دو مبحث مورد بررسی قرار می‌دهیم: مبحث اول، در بیان نوع اموالی که زن از آنها ارث نمی‌برد و مبحث دوم در بیان اینکه این حرمان اختصاص به زوجه غیر ذات ولد دارد یا مطلق زوجه را در بر می‌گیرد و در انتها نیز به تحلیل و بررسی مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی پیرامون اصلاح موادی از قانون مدنی در ارتباط با میراث زوجه می‌پردازیم.

## 2. محرومیت زوجه از ارث بردن بعضی از ترکه شوهر

در مورد حرمان زن فی‌الجمله از چیزی از عین ترکه، فقهای امامیه به جز ابن جنید اسکافی، اتفاق نظر دارند (نجفی، 1366: 131) و همان‌طور که بسیاری از فقهای بیان داشته‌اند این امر از منفردات مذهب امامیه است، (عاملی، 1419: 302) اما در مورد اینکه زوجه از چه نوع اموالی محروم است اتفاق نظر وجود ندارد و همان‌طور که شهید ثانی در رساله میراث زوجه خود بیان داشته‌اند، (شهید ثانی، 1313: 254) به سبب وجود روایات مختلف، فقهای امامیه دارای اقوال و عقایدی هستند که در قالب شش نظریه به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم:

### 2.1. ارث بردن زوجه از تمام ترکه

طبق این نظریه، زوجه مانند زوج و سایر وراث از همه ارقام ترکه حتی از زمین ارث می‌برد و حرمانی برای زوجه در این زمینه وجود ندارد. این نظریه مطابق ظاهر قرآن کریم و عقیده عام فرق اسلامی غیر شیعه است و در میان فقهای معتبر امامیه تنها ابن جنید اسکافی این نظر را برگزیده است. تقریباً در تمام کتب فقهی از نامبرده به‌عنوان کسی که معتقد است زوجه از تمام دارایی شوهر سهم خود را می‌برد سخن رفته است و عبارتی که در این خصوص از او نقل شده چنین است: (...هرگاه زوج یا زوجه بر فرزند و پدر و مادر وارد شوند زوج یک‌چهارم و اگر زوجه باشد یک‌هشتم از جمیع ترکه از زمین و اثاث و حیوان و برده و سایر اموال می‌برد...) (عاملی، 1419: 131). پیداست که ظاهر این عبارت دلالت دارد بر اینکه زوجه مانند زوج از جمیع ترکه، سهم الارث خویش را می‌برد. ولی صاحب مفتاح الکرامه می‌گوید: این کلام

منقول از ابن جنید صریح در ارث بردن زوجه به طور مطلق یعنی حتی زوجه غیر ذات ولد از جمیع ماترک نیست بلکه اگر ابن جنید چنین نظری داشت، صریحاً می‌گفت: (و الزوج و الزوجه یرثان من جمیع التركة). اینکه با ذکر وجود فرزند، حکم سهم الارث زوجه را از جمیع ماترک بیان کرده، اشاره آشکاری به این معنا است که به نظر او زوجه ذات ولد از تمام دارایی شوهر، ارث می‌برد و متبادر از فرزند هم در عبارت فرزندی است که از شوهر و این زوجه ارث بر باشد نه فرزند زوجه دیگر (همان: 190). لذا صاحب مفتاح الکرامه کلام ابن جنید را حمل بر زوجه ذات ولد نموده و مخالفتش را قطعی و مسلم نمی‌داند. از میان متأخرین، قاضی نعمان مصری، صاحب بدایع الاحکام، مرحوم خالصی، حاج میرزا یوسف شعار و همچنین حاج آقا رحیم ارباب معتقدند که زوجه از جمیع ترکه زوج ارث می‌برد. حاج آقا رحیم ارباب، از علمای بزرگ و معاصر اصفهان (متوفی 1357 ه.ش) نیز بر حسب آنچه شاگرد ایشان حاج آقا محمد کلباسی از علمای اصفهان، از ایشان نقل کرده، فتوایشان بر ارث بردن زوجه از تمام ترکه است. استدلالشان هم این بوده که بین اخبار دال بر حرمان زوجه و روایت ابن ابی یعفر که دلالت بر عدم محرومیت زوجه دارد، متعارض است و چون روایت ابن ابی یعفر علاوه بر اینکه صحیح است با قرآن نیز موافق است، باید آن را ترجیح داد و به مفاد آن عمل کرد و روایات دیگر را که با حکم قرآن مخالف‌اند، طرد نمود و مورد عمل قرار نداد. (مهرپور ۱۳۷۶: 132)

دلیل این عقیده این است که آیه ارث عمومیت دارد و اخباری که حاکی از محرومیت زوجه از زمین است در حد تواتر نیستند بلکه خبر واحد بوده و خبر واحد {منظور از خبر واحد خبری است که مفید یقین و اطمینان نباشد و در مقابلش خبر متواتر و خبری که قرائنی در اطرافش وجود دارد که باعث یقین به آن است، می‌باشد. چه توسط یک نفر چه توسط چندین نفر باشد به شرطی که موجب یقین نشود.} (نائینی، 1417: 156) چنان‌که عقیده مشهور فقهای متقدم بوده است، نمی‌تواند متخصص عام قرآن باشد؛ بخصوص که از لحاظ سندی هم بعضی از آن‌ها ضعیف هستند. همچنین دو روایت وجود دارد که حاکی از ارث بردن زوجه از تمام ترکه است، یکی صحیح ابن ابی یعفر از امام صادق (ع) است به این مضمون که از امام صادق

(ع) پرسیدم آیا مرد از خانه و زمین زن ارث می‌برد یا او هم مانند زن است و از این‌ها ارث نمی‌برد؟ امام (ع) فرمود: هر یک از زن و مرد از هر چه که از خود بجای گذاشته‌اند از یکدیگر ارث می‌برند (حر عاملی، 1409: 212).

## 2.2. محرومیت زن از عین خانه مسکونی و ارث بردن او از قیمت آن

صاحب این قول مرحوم سید مرتضی است که معتقد است زن از عین زمین محروم است اما از قیمت زمین ارث می‌برد. بیان او در الانتصار این چنین است: «این امر از منفردات امامیه است که زن از منزل مسکونی متوفی چیزی نمی‌برد بلکه از قیمت ساختمان و ادوات آن حقیقتاً داده می‌شود.» و بیان می‌دارد: «آنچه به نظر من قوی است این است که این مسئله هم مانند مسئله حبوه است. همان‌طور که در آنجا گفتیم که حبوه مخصوص پسر بزرگ است ولی سایر ورثه سهم خود را از قیمت آن می‌برند...» در اینجا هم هر چند خانه به زوجه داده نمی‌شود ولی قیمتش برای او حساب می‌شود و علت این منع این است که چه‌بسا بعد از متوفی، زوجه ازدواج کند و کسی را در این خانه ساکن نماید که رقیب متوفی بوده و یا به او حسد می‌برده و این امر بر طایفه و عشیره متوفی گران می‌آید، پس به وجه نیکویی از این امر جلوگیری شده است. (منع از بردن عین و در عین حال دادن سهم الارث از قیمت). (سید مرتضی، 1415: 585).

نظر سید مرتضی (ره) تا حدودی منطقی و منصفانه به نظر می‌رسد و به گفته علامه حلی (ره) در کتاب مختلف، نظری نیکو است زیرا موجب جمع بین عموم قرآن و خصوص اخبار است... (علامه حلی، 1413: 54).

اما صاحب جواهر (ره) بر این نظر ایراد گرفته و نظر این جنید را با همه ضعفی که دارد بهتر از آن دانسته است. (نجفی، 1981: 215).

## 2.3. محرومیت زوجه از عین و قیمت زمین و عین ابنیه و اشجار

این نظر مشهور بین فقهاست و قانون مدنی نیز در ماده 947 ق.م. به پیروی از قول مشهور فقها این حکم را بیان داشته بود. (شیخ انصاری، 1415: 192) بر طبق این نظر، زوجه از هرگونه زمین و عرصه‌ای مطلقاً نه از عین و نه از قیمت ارث نمی‌برد، از عین ساختمان و آلات و ادوات و مصالح به کار رفته در آن و از عین درخت نیز بهره‌ای

نخواهد داشت ولی از قیمت آن‌ها مطابق سهمش به او داده می‌شود، از سایر اموال منقول نیز سهم خود را می‌برد. مستند این نظر روایاتی است که عمدتاً از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل شده است که اکثر آن‌ها حاکی از این است که زوجه مطلقاً از زمین ارث نمی‌برد و از ساختمان و آنچه در زمین بنا شده و ثابت است، قیمت آن را می‌برد.

در این زمینه می‌توان به صحیحه محمد بن مسلم اشاره کرد. عن ابی جعفر (ع) قال: «النساء لا يرثن من الارض و لا من العقار شیئا» (حر عاملی، 1409: 175) محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل کرد که حضرت فرمودند: زنان از زمین و عقار (خانه و باغ) چیزی به ارث نمی‌برند. (ابن منظور، 9: 1419) در روایت دیگر عبدالمملک از امام باقر (ع) روایت کرده است: «حضرت کتاب (امام) علی (ع) را خواستند، امام صادق (ع) کتاب را آوردند به مانند ران مرد قطور و در چیزی پیچیده شده در آن آمده بود: با مرگ شوهر زنان از خانه، مسکن و زمین او چیزی به ارث نمی‌برند...» (حر عاملی، 1409: 522)

جمع روایات وارده در این باب که مرحوم شیخ حرّ عاملی آن‌ها را در کتاب وسائل الشیعه جمع آوری کرده، 17 عدد است و برخی احتمال داده‌اند که روایات متعدد که با اختلاف مختصر در عبارت از طریق زراره و محمد بن مسلم نقل شده به یک یا حداکثر دو روایت برگردد که یکی را زراره و دیگری را محمد بن مسلم نقل کرده باشد و چون تقید به نقل عین الفاظ صادره از امام (ع) نبوده، نقل به معنی شده و تعبیرات مختلفی را به وجود آورده است (مهرپور 1376: 132). اخبار حاکی از محرومیت زوجه از بعضی ماترک به حد تواتر نمی‌رسند بلکه اخبار واحد هستند که همه آن‌ها هم موثقه و صحیحه نیستند بلکه بعضی از آن‌ها ضعیف نیز به شمار می‌روند. این روایات خلاف اصل و مغایر ظاهر قرآن به نظر می‌رسند و لذا بسیاری از فقهاء که با این اخبار گوناگون مواجه شده‌اند و از طرفی نتوانسته‌اند از این اخبار دست بکشند و از سوی نیز آن‌ها را مخالف با اصل و ظاهر قرآن دیده‌اند به عناوین مختلف سعی کرده‌اند از دامنه محرومیت زوجه بکاهند چنانچه دیدیم مرحوم سید مرتضی محرومیت را فقط شامل عین خانه دانسته و معتقد است که زن از قیمت زمین ارث می‌برد یا

بسیاری از فقها (به طوری که بعداً بیان می‌کنیم) با تکیه بر روایت مقطوعه و در حقیقت برای هر چه کم کردن وسعت دامنه اخبار حاکی از محرومیت زوجه، محرومیت از زمین و خانه را منحصر به زوجه غیر ذات ولد دانسته‌اند اما به هر حال اخبار و روایات وارده از ائمه اطهار (ع) در این زمینه زیاد است و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت و بر مشرب دیگر فرق اسلامی به ظاهر و عموم قرآن اکتفاء کرد و روایات و اخبار وارده را کنار گذاشت. علاوه بر وجود روایات مختلف در این زمینه، اجماع و اتفاق فقهای امامیه از متقدمین و متأخرین بر محرومیت فی الجمله زوجه نیز غیر قابل انکار است و در این خصوص به جز ابن جنید، مخالف نامداری را نمی‌توان یافت. تنها موردی که محل بحث باقی می‌ماند این است که این حرمان مختص زوجه غیر ذات ولد است یا شامل زوجه ذات ولد هم می‌شود؟ صاحب مفتاح الکرامه نیز اجماع و اتفاق اصحاب را بر حرمان زوجه غیر ذات ولد از عین زمین خانه بیان داشته و می‌گوید: «اعتنایی به مخالفت کاتب ابوعلی (ابن جنید) نمی‌شود، علاوه بر آنکه قبل و بعد از او بر این محرومیت فی الجمله اجماع وجود دارد.» (عاملی، 1419: 189). همچنین برای محرومیت زوجه از ارث بردن زمین و اعیانی ساختمان در اخبار منقوله و کلمات فقها حکمت و مصلحت آن نیز ذکر شده است. همان‌طور که شهید ثانی در مسالک الأفهام بیان می‌دارد، حکمت این محرومیت به دلالت روایات این است که زن و شوهر رابطه خویشاوندی نسبی ندارند و زن وارد بر خانواده مرد است و ممکن است پس از مرگ شوهر با دیگری که رقیب او بوده و بر او رشک می‌برده ازدواج کند و او را در خانه شوهر پیشین جای دهد و موجب کینه و خشم شدید وارثان او شود از این روی حکمت الهی اقتضاء داشته که زن را از این کار منع کند و بهای املاک را به او بدهد تا زیان او از بین، برود (محمدی، 1369: 145). این فلسفه نمی‌تواند مصلحت وضع چنین حکمی باشد: زیرا اولاً بسیاری از ازدواج‌ها فامیلی هستند و زوجه دختر عمو یا دختر خاله است و بیگانه بر خانواده شوهر نیست. ثانیاً می‌توان گفت اکثر زن‌ها پس از فوت شوهرانشان یا به دلیل کبر سن یا داشتن فرزند یا نداشتن خواستگار شوهر جدیدی انتخاب نمی‌کنند و تعداد کسانی که ازدواج می‌کنند از تعداد کسانی که بیوه باقی می‌مانند کمتر است. ثالثاً همین حکم در مورد شوهر هم وجود دارد چرا که او هم

از راه نسب ارث نمی‌برد و بر خانواده زوجه بیگانه است و پس از فوت زوجه ممکن است زن دیگری بیاورد و خود و زن دیگرش بر املاک خانواده زوجه مسلط گردند.

#### 2.4. محروم نبودن زوجه از عین اشجار

قول چهارم، همانند قول سوم است با این تفاوت که طبق این نظر، زن از عین درخت، ارث می‌برد. پیروان این نظر را شیخ طوسی در نهاییه و قاضی ابن البراج و ابن حمزه و ابو صلاح و شهید اول در لمعه دانسته‌اند. (شهید ثانی، 1416: 368) البته بسیاری از آن‌ها تصریح نکرده‌اند که زن از عین درخت ارث می‌برد ولی همین قدر که به محروم بودن او از عین اشجار تصریح نموده‌اند و برای قیمت هم از قیمت درخت اسمی نبرده‌اند، باید گفت طبق اصل، نظر آنان بر این بوده که زن از عین اشجار محروم نیست، مستند این قول نیز همان روایات وارده در خصوص محرومیت زوجه از زمین است که در بعضی از آن‌ها به محروم بودن زوجه از عین اشجار و بردن قیمت آن، تصریحی ندارد. (همان: 369)

#### 2.5. محروم بودن زن از زمین خانه و اماکن مسکونی نه از زمین باغ و کشت

مطابق این نظر، زن از زمین خانه و ساختمان مطلقاً محروم است و از ساختمان و آلات و ادوات آن، قیمتش را می‌برد ولی از زمین باغ و مزارع هیچ گونه محرومیتی ندارد. این عقیده شیخ مفید، ابن ادریس، محقق حلّی و صاحب کشف الرموز است و علامه حلّی هم در کتاب مختلف به آن تمایل نشان داده است (شهید ثانی، 1410: 368). از میان فقهای معاصر نیز آیت الله منتظری متمایل به این نظر هستند زیرا در رساله توضیح المسائل خود پس از بیان حکم محرومیت زوجه از زمین و اعیانی، می‌گویند: «ولی بنا بر احتیاط مستحب در زمین غیر خانه، با ورثه صلح کنند (منتظری، 1380: 558). همچنین آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی نیز در مسئله 2780 از رساله توضیح المسائل خود بیان داشته‌اند که: «زنی که از میت فرزند ندارد از زمین خانه ارث نمی‌برد نه از خود زمین و نه از قیمت آن...» که نشان می‌دهد ایشان نیز به قدر متیقن از حرمان یعنی زمین خانه مسکونی اکتفاء کرده‌اند.

با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد که قول شیخ مفید و ابن ادریس و آیت



الله بروجردی و دیگر فقها که محرومیت زوجه را منحصر به زمین خانه و محل مسکونی و عین ساختمان می‌دانند صائب تر از بقیه اقوال است زیرا مقتضای قاعده (اصل بر ارث بردن است مگر اینکه مواردی با دلیل خارج شود) و عموم قرآن، ارث بردن زوجه از جمیع ماترک است و آنچه مورد اجماع علماست محرومیت زوجه از عین و قیمت زمین خانه و عین ساختمان است؛ و قدر متیقن و مسلمی که از روایات فهمیده می‌شود نیز محرومیت زوجه از ارث بردن زمین خانه و محل مسکونی است و با توجه به لزوم تقلیل تخصیص عموم آیه به آنچه قدر مسلم است باید زوجه را فقط نسبت به ارث بردن زمین خانه و محل مسکونی محروم دانست.

## 2.6. ارث بردن زوجه ذات ولد از عین همه اموال منقول و غیر منقول

این قول، فتوای آیت الله شاهرودی است و در فقه به این گونه‌ای که بیان شده دارای سابقه‌ای نیست و لذا قول ششمی در مسئله است ایشان بر اساس مطالعات و تحقیقاتی که در این خصوص انجام داده‌اند به تأسیس این قول مبادرت ورزیده‌اند با توجه به اینکه بنای ما در اینجا اختصار و اجمال است لذا نظر ایشان را به طور مختصر بیان می‌کنیم و علاقه‌مندان جهت تفصیل مطالب می‌توانند به منبع مربوطه مراجعه نمایند (هاشمی شاهرودی، 1386: 3). ایشان پس از بیان اقوال پنج‌گانه‌ای که در خصوص میراث زوجه در فقه وجود دارد نارسایی دلالت روایات دال بر محرومیت زوجه را اثبات کرده و سپس با جمع میان سه دلیل عمومات قرآنی، روایات دال بر محرومیت و روایات تفصیل دهنده میان زوجه فرزند دار و بدون فرزند، قول ششمی را تأسیس می‌کند که بر اساس آن: «زوجه اگر دارای فرزندی از مورث باشد از عین همه اموال منقول و غیر منقول ارث می‌برد و اگر بدون فرزند باشد از عین اموال منقول و از قیمت اموال غیر منقول ارث می‌برد.»

ایشان در بیان مطالب خود به روایت عمر بن اذینه مبنی بر «هرگاه زوجه صاحب فرزند باشد از رباع به او داده می‌شود.» اشاره کرده و در خصوص این روایت این چنین اظهار نظر می‌کند: عمر ابن اذینه چنان‌که از تتبع در روایتش معلوم می‌شود از دقیق‌ترین مردم در ضبط حدیث بود. لذا مقتضای صناعه، عمل به این روایت است چون به

صدور آن هم چون دیگر روایات مضمرة از یکی از دو امام باقر یا صادق (ع) اطمینان هست. لذا زوجه فرزند دار حتی از عین زمین محروم نمی‌شود چنان‌که رأی مشهور است و زوجه بی فرزند از عین زمین محروم می‌شود نه از قیمت آنچنان‌که رأی سید مرتضی است و این قول ششمی در مسئله است و اخص از قول سید مرتضی است. اشکال نشود که این قول بر خلاف مفهوم روایت ابن اذینه است که بر محرومیت زوجه بی فرزند از رباع دلالت دارد چون مفهوم این روایت چیزی بیش از نقیض منطوق آن نیست، منطوق آن اعطای سهم زوجه از عین رباع است، بنابراین حداکثر مفهوم روایت این است که زوجه اگر فرزندی داشته باشد، از عین رباع به او داده نمی‌شود و این با دادن قیمت رباع به او منافاتی ندارد. (همان: 5).

### 3. میراث زوجه صاحب فرزند و زوجه فاقد فرزند

گذشته از اختلاف نظر فقها راجع به اینکه زن از چه نوع اموالی محروم و از چه اموالی ارث می‌برد، اختلاف دیگری که وجود دارد در مورد زوجه ذات ولد و زوجه غیر ذات ولد است که جمع کثیری از فقها معتقدند زنی که از شوهرش دارای فرزند است هیچ گونه محرومیتی ندارد و از جمیع ماترک شوهر خود اعم از زمین و ساختمان و... ارث می‌برد، در مقابل عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که این محرومیت اختصاص به زوجه غیر ذات ولد ندارد و زوجه به طور مطلق از ارث‌بردن بعضی از اموال شوهر خود محروم است. به هر صورت هر دو قول از نظر پیرو و طرفدار، از قوت و تعداد قابل ملاحظه‌ای برخوردارند به طوری که صاحب کتاب بلغة الفقیه معتقد است که هر دو قول در معروفیت و تعداد پیرو هم‌سانند. (سید بحر العلوم، 1362: 97).

#### 3.1. نظریه محرومیت زوجه به طور مطلق

این دسته از فقهاء، زوجه را مطلقاً چه صاحب فرزند باشد یا نباشد از زمین و عین ابنیه و اشجار محروم می‌دانند و می‌گویند اخباری که دلالت بر حرمان زوجه دارد به طور عموم شامل زوجه ذات ولد و زوجه غیر ذات ولد است و دلیلی ندارد که محرومیت را به زوجه غیر ذات ولد، اختصاص دهیم زیرا در تمام آنها، زوجه به طور

مطلق مورد حکم قرار گرفته است، طرفداران این نظریه همان طوری که شهید ثانی در مسالک الأفهام بیان کرده است جمعی از فقها از جمله: شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی در استبصار، ابو صلاح، ابن ادریس، محقق حلی در کتاب مختصر النافع و شاگرد او شارح آن کتاب، هستند حتی ابن ادریس بر این عقیده ادعای اجماع کرده است (محمدی، 1369: 144). همچنین حکمتی هم که در بعضی روایات به عنوان علت محرومیت زوجه از زمین و ساختمان ذکر شده که زوجه قرابت نسبی با شوهر ندارد و ممکن است بعد از فوت او مرد دیگری را بر خانه و املاک خانواده شوهر سابق مسلط نماید، در مورد هر دو زوجه جاری است (شهید ثانی، 1410: 266). از طرف دیگر روایت ابن اذینه (حرعاملی، 1409: 522) که قائل به تفصیل است و دلالت بر ارث بردن زوجه ذات ولد از جمیع ماترک دارد نیز مقطوعه است و سندش متصل به امام نیست و لذا حجیت ندارد و نمی‌تواند با این همه اخبار که حاکی از حرمان زوجه به طور مطلق هستند، معارضه کند.

### 3.2. نظریه اختصاص حرمان به زوجه غیر ذات ولد

بسیاری از فقهای عظام معتقدند که حرمان زوجه از ارث بردن بعضی از اموال، اختصاص به زوجه غیر ذات ولد دارد و زوجه ذات ولد از همه اموال شوهر متوفی خود ارث می‌برد، مرحوم محقق حلی (ره) در شرایع الاسلام چنین می‌گوید: «...اذا كان للزوجه من المیت ولد ورثت من جمیع ماترک...» (نجفی، 1981: 210). همچنین علامه حلی (ره) در مختلف پس از آنکه محرومیت زن از زمین و خانه را بیان می‌کند، بیان می‌دارد که: «... و هذا الحكم الذي ذكرناه انما يكون اذا لم يكن للمرأة ولد من المیت فان كان لها منه ولد اعطيت حقها من جمیع ماذكرناه من الضیاع والعقار والدور والمساکن». این حکم «حرمان زوجه از زمین و خانه» وقتی است که زن از شوهر متوفی فرزندی نداشته باشد ولی اگر فرزندی از وی داشته باشد سهم الارث او از جمیع آنچه گفتیم از مزرعه، باغ و خانه و مسکن داده می‌شود (علامه حلی، 1413: 52).

این نظر پیروان زیادی بین فقها دارد و حتی به مشهور نسبت داده شده است. به هر حال فقهای بزرگی چون شیخ صدوق، شیخ طوسی در نهاییه، قاضی ابن براج، ابن

حمزه، علامه حلّی، شهید اوّل و بسیاری از فقهای متأخّر بر این قول‌اند که این حرمان اختصاص به زوجه غیر ذات ولد دارد (شهید ثانی، 1410: 266). مستند روایی این دسته از فقها، روایت مقطوعه ابن اذینه است به این عبارت: «فی النساء اذا كان لهنّ ولد، اعطین من الرباع» یعنی زنان اگر دارای فرزند باشند از خانه و مسکن ارث می‌برند. این روایت را شیخ طوسی در استبصار (شیخ طوسی، 1390: 155) و تهذیب (همان: 155) و شیخ حرّعاملی در وسائل الشیعه (حر عاملی، 1409: 212) از طریق محمد بن ابن عمیر از ابن اذینه نقل کرده‌اند.

هر چند این روایت مقطوعه است و سند آن به امام متصل نشده و این امر ممکن است موجب ضعف و تزلزل در حجیت آن بشود ولی عمل کردن جمع زیادی از فقهای بزرگ به مفاد آنکه در حد شهرت است، می‌تواند ضعف آن را جبران کند و نشان می‌دهد که آنان به روایات ابن اذینه به عنوان قول امام (ع) اعتماد کرده‌اند نه قول وی، از طرف دیگر محمد ابن ابی عمیر که ناقل روایت است از روات بزرگ و مورد تفه است و اهتمام زیادی بر قول معصومین (ع) داشته است و احتمالاً منظورش نقل نظر امام بوده که نام امام منقول عنه فراموش شده است. از طرفی ابن اذینه هم از بزرگان شیعه و معتمدین است و کسی نیست که بدون تکیه بر قول معصوم در حکم خدا مطلبی را بیان کند و فتوای به رأی بدهد (مهرپور، 1376: 170). عقیده تفصیل به نحو دیگری نیز ترجیح داده شده است بدین نحو که این عقیده موجب تقلیل تخصیص آیه می‌شود و در عموم اخباری که زوجه را از بعض مایهات محروم می‌دانند و مخالف تفصیل هستند به واسطه خبر ابن اذینه و ابن یعفور شبهه روشنی وجود دارد و همین امر کافی است تا در مورد زوجه ذات ولد که با وجود این خبر مقطوع و نظر بسیاری از فقها لااقل در ذهن ما ایجاد شبهه شده است به همان اصل اولیه و عموم قرآن باز گردیم و به قدر متیقّن از تخصیص که محرومیت زوجه غیر ذات ولد است اکتفاء نماییم. مرحوم شهید ثانی در رسائل خود همین معنا را بیان می‌دارد: «یوقع الشبهه فی الجملة فی اطلاق تلك الأخبار، فینبغی أن یرجع إلی عموم الكتاب فی غیر محل الوفاق». همچنین در کتاب شرح لمعه خود تقلیل تخصیص آیه را از تقلیل تخصیص اخبار اولی و بهتر می‌داند «تقلیل تخصیص الآیه اولی من تقلیل تخصیص تلك الأخبار فتخصص

عموم الأخبار بأنها خاصة بغير ذات الولد» (شهید ثانی، 1410: 177). البته مرحوم شهید ثانی بعد از بیان این مطالب در انتها بیان می‌دارد که عقیده قائل به تساوی (عدم تفاوت بین زوجه ذات ولد و زوجه غیر ذات ولد) هم عقیده‌ای قوی و متین است (شهید ثانی، 1313: 268). از میان مراجع تقلید حاضر، حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در مسئله 2780 از رساله توضیح المسائل خود صراحتاً این نظر را پذیرفته و بیان داشته‌اند که: «... زنی که از میت فرزند دارد، از همه اموال او ارث می‌برد».

البته انصاف و عدالت نیز اقتضاء دارد زنی که همواره یار و مددکار شوهر بوده و فرزندان برای او آورده و در جمع آوری مال و ساختن خانه زحمت‌ها کشیده و قناعت‌ها نموده است از ترکه شوهر، هر چه باشد، سهم و نصیبی داشته باشد و محروم نمودن او دور از انصاف و عدالت است؛ و این از فقه اسلامی به دور است؛ بنابراین به نظر بسیاری از فقها که زوجه ذات ولد را از جمیع ترکه ارث بر می‌دانند، به نظر قوی‌تر و به واقع نزدیک‌تر می‌نماید.

در حقوق ایران تا قبل از تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۶، بر اساس ماده ۹۴۷ قانون مدنی مصوب (۱۳۰۷) زن نه از عین و قیمت زمین و نه از عین ابنیه و اشجار ارث نمی‌برد و بین زوجه ذات ولد و زوجه غیر ذات ولد تفاوتی نگذاشته بود. تا اینکه کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در راستای اصلاح مواد مربوط به ارث زوجه از رهبر معظم انقلاب اسلامی استفتاتی را نمودند که این استفتاء بعداً مبنای تصویب قانون گردید که در این جا به دلیل اهمیت موضوع، عین سؤال و فتوای ایشان را نقل می‌کنیم: سؤال: در باب ارث زوجه از قیمت زمین دو فتوا بین فقهای عظام وجود دارد و شنیده‌ایم که نظر مبارک حضرت عالی این است که زوجه از قیمت زمین ارث می‌برد. خواهشمند است بفرمایید آیا در این مسئله بین این که زوجه از میت صاحب فرزند باشد یا خیر تفاوتی وجود دارد؟ جواب: زوجه خواه دارای فرزند از شوهرش باشد یا نباشد از قیمت زمین یا مغازه یا زمین باغ یا مزرعه باشد، ارث می‌برد.

همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «زوجه فقط از قیمت زمین و قیمت ساختمان روی آن حق ارث دارد و از عین زمین ارث نمی‌برد».

این نظر، فتوای جدید و جالبی است که به موجب آن زوجه چه دارای فرزند از

متوفی باشد و چه نباشد مستحق تمام زمین‌ها اعم از مسکونی، زراعی و غیره است و از عین تمام زمین‌ها محروم است. خواننده این نظر بلافاصله به یاد نظریه سید مرتضی می‌افتد زیرا او نیز زوجه را از عین خانه مسکونی محروم و او را مستحق قیمت آن می‌دانست؛ اما این فتوا با نظر سید مرتضی تفاوت ظریفی دارد و آن هم این است که سید مرتضی، زوجه را صرفاً از عین خانه و محل مسکونی محروم می‌دانست اما ظاهر فتوای رهبری این است که ایشان زوجه را از عین تمام زمین‌ها محروم می‌دانند. مجلس شورای اسلامی در جهت اجرای عدالت و با تکیه بر فتوای رهبر معظم انقلاب، در تاریخ ۶/۱۱/۱۳۸۷ اقدام به حذف ماده ۹۴۷ قانون مدنی و اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ قانون مدنی نمود. بر اساس مصوبه جدید: «زوجه در صورت فرزند دار بودن زوج یک‌هشتم از عین اموال منقول و یک‌هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان را ارث می‌برد و در صورتی که هیچ فرزندی نداشته باشد از یک‌چهارم کلیه اموال به ترتیب فوق ارث می‌برد. همچنین اگر ورثه از اداء قیمت امتناع کنند، زوجه می‌تواند از عین اموال، حق خود را استیفاء کند.»

مقنن در تنظیم این ماده، دقت زیادی نکرده است و بیان ماده به صورت واضح و شفاف نیست. اولاً،  $\frac{1}{4}$  و  $\frac{1}{8}$  که فروض سهم الارث زوجه هستند در موارد قبل بیان شده و نیازی به ذکر مجدد آن‌ها نبوده است چون آنچه که در این جا محل بحث بوده است، نوع اموالی بوده که زوجه از آن‌ها محروم است و میزان سهم الارث او اصلاً محل بحث نبوده و آوردن آن بیهوده است. ثانیاً بر طبق ظاهر مصوبه قانونی، زوجه ذات ولد از عین اموال غیر منقول محروم است و فقط از قیمت آن‌ها ارث می‌برد. در این مورد با توجه به تجزیه و تحلیلی که در صفحات قبلی به عمل آمد و دلایلی که بر ارث بردن زوجه ذات ولد از جمیع ترکه ابراز شده و با عنایت به فتوای جمع عظیمی از فقهای بزرگ بر محروم نبودن زوجه ذات ولد، به نظر می‌رسد اگر قانون مدنی در این خصوص، اصلاح شود و زن صاحب فرزند در جمیع ماترک شوهر (اعم از عین و قیمت) سهم شناخته شود، انصاف و عدالت بهتر رعایت شده و حکمی خلاف شرع و مغایر موازین اسلامی هم وضع نگشته است، بلکه از فتوای عده عظیمی از فقهای بزرگ تبعیت شده است. همان طور که در قول ششم و در بیان مشهور فقهاء، زوجه

صاحب فرزند از عین زمین محروم نمی‌شود؛ اما بخش دوم ماده اصلاحی که زوجه غیر ذات ولد را مستحق قیمت اموال غیر منقول و نه عین آن‌ها می‌داند، با مقتضای عدالت و حتی روایات هم سازگار است زیرا روایت عمر ابن اذینه که بیان داشته است: «هر گاه زوجه صاحب فرزند باشد از رباع به او داده می‌شود»، دلالت بر اعطای سهم زوجه ذات ولد از عین رباع دارد و لذا حداکثر مفهوم این روایات این است که زوجه اگر فرزندی نداشته باشد، از عین رباع به او داده نمی‌شود و این با دادن قیمت رباع به او منافاتی ندارد. این استظهار را قبلاً در قول ششم بیان کردیم مورد قبول مقنن نیز قرار گرفته است و از این لحاظ مثبت و قابل تحسین است.

مصوبه جدید هر چند گام اساسی و مهمی در خصوص ارث زنان برداشته است و اجرای آن هم با عدالت و انصاف و هم با فتوای جمع کثیری از فقهای بزرگ سازگار است اما به نظر می‌رسد که اگر مقنن در اصلاح این مواد، قول ششمی را که قبلاً بیان کردیم مبنی بر این که زوجه ذات ولد از عین همه اموال منقول و غیر منقول ارث می‌برد و اگر بدون فرزند باشد از عین اموال منقول و از قیمت اموال غیر منقول ارث می‌برد، عیناً در قانون ذکر می‌کرد، در این صورت قانون از صراحت بیشتری برخوردار می‌شد، عدالت و انصاف خصوصاً در مورد زوجه ذات ولد بیشتر رعایت می‌شد و مقتضای برخی روایات در این خصوص هم رعایت می‌شد.

#### 4. نتیجه گیری

در این نوشتار، میراث زوجه از دارایی شوهر از منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفت. مطابق ظاهر قرآن زوجه همانند زوج و دیگر ورثه در جمیع ماترک، سهمی است و باید بتواند برحسب مورد  $\frac{1}{8}$  یا  $\frac{1}{4}$  سهم خود را از همه اموال و دارایی‌های شوهر ببرد. اهل سنت به ظاهر قرآن عمل نموده و زوجه رادر جمیع ماترک، سهمی می‌داند ولی در بین شیعه تقریباً اجماعی است که زوجه فی الجمله از بعض ماترک محروم است و تنها از ابن جنید نقل شده است که همانند عامه، زوجه را در کل ماترک سهمی می‌داند. علاوه بر اجماع که دلیل حرمان فی الجمله از ارث بردن زوجه از بعض شد، مستند فقهاء شیعه، روایات متعددی است که از ائمه اطهار (ع) در این زمینه وارد

شده، مضمون روایات مختلف است و بر همین اساس نظرات مختلفی در بین فقها پیدا شده که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- ارث‌بردن زوجه از تمام ترکه ۲- محرومیت زوجه از عین خانه مسکونی و ارث‌بردن وی از قیمت ۳- محرومیت زوجه از عین و قیمت زمین و عین ابنیه و اشجار ۴- محروم بودن زوجه از زمین خانه و مسکن و نه از زمین خانه و کشت ۵- محروم نبودن زوجه از عین اشجار ۶- زوجه ذات ولد از عین همه اموال منقول و غیر منقول ارث می‌برد و اگر بدون فرزند باشد از عین اموال منقول و از قیمت اموال غیر منقول ارث می‌برد.

از طرف دیگر در خصوص زوجه‌ای که مشمول حرمان است نیز بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد: ۱- جمعی زوجه را به طور مطلق خواه از شوهر دارای فرزندی باشد یا فرزندی نداشته باشد مشمول حرمان دانسته‌اند و معتقدند که ادله حرمان عام است و زوجه را به طور مطلق شامل می‌شود. ۲- گروهی دیگر بین زوجه صاحب فرزند و زوجه بی‌فرزند فرق گذاشته‌اند و حرمان را به زوجه غیر ذات ولد اختصاص داده‌اند و زوجه ذات ولد را مانند سایر ورثه در جمیع ماترک سهم دانسته‌اند. این نظر که مستند به روایتی است چون دامنه تخصیص عموم قرآن را تقلیل می‌دهد تعداد زیادی بدان گرایش پیدا کرده‌اند.

مجموعاً با توجه به مباحث و تجزیه و تحلیل‌هایی که به عمل آمد و استفاده‌ای که از آیات و اخبار و اجماع فقهاء به دست آمد، در این نوشته، این نظر تقویت شد که در رابطه با محرومیت زوجه از بعض ماترک شوهر، صرفاً زوجه غیرذات ولد از زمین خانه و عین اعیانی خانه، محروم است ولی زوجه‌ای که از شوهر خود دارای فرزند است در جمیع ماترک شوهر از جمله زمین و خانه و ساختمان مانند سایر وراث، سهم است و سهم الارث خود را می‌برد، وزنی هم که دارای فرزند نیست، غیر از زمین و عین ساختمان خانه، از جمیع ترکه، از جمله زمین‌های زراعتی و باغ و ساختمان غیر مسکونی و زمین زیر آن، ارث می‌برد.

نکته دیگر این که قواعد مربوط به میراث زوجه مستنبط از منابع مسلم اسلامی یعنی قرآن و روایات است و لذا هر گونه تغییر و اصلاحی در آن باید در چارچوب نظام حقوقی اسلامی و بر مبنای منابع اسلامی صورت پذیرد. لذا در مواردی که حکم به



طور صریح بیان نشده است و فقهاء نیز در آن اجماع نکرده‌اند و در استنباط حکم اختلاف نظر دارند، هیچ قاعده‌ای قانون‌گذار را ناگزیر از پیروی نظر مشهور نمی‌کند. در اصل ۱۶۷ قانون اساسی پیش‌بینی شده است که دادرس می‌تواند، در صورتی که قانونی نباشد، به فتوای معتبر استناد کند. فتوای معتبر لزوماً فتوای مشهور نیست بلکه فتوای غیر مشهور نیز ممکن است معتبر باشد و انتخابان با قاضی است. پس باید پذیرفت که نظام حقوقی ما توان تحمل نظرهای نو را، به ویژه در صورتی که با فتوای معتبری از فقیهان همراه باشد، دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۲۴)

مقنن نیز دارای چنین اختیاری است و می‌تواند در برخی موارد مانند موضوع مورد بحث، از نظر غیر مشهور تبعیت کرده و عدالت ملموس را محقق سازد و نمی‌توان بر او خرده گرفت که چرا عدالت را فدای شهرت نکرده است. بر اساس همین رویه و دیدگاه و با تکیه بر برخی فتاوی فقہی، مقنن در تاریخ ۶/۱۱/۱۳۸۷ به اصلاح موادی از قانون مدنی پیرامون میراث زوجه از دارایی شوهر، پرداخت که اجرای آن می‌تواند تحولی شگرف در خصوص ارث زنان ایجاد کرده و عدالت و انصاف را هر چه بیشتر و بهتر محقق سازد.

#### منابع

##### الف. فارسی

- خامنه‌ای، سیدعلی (۶/۱۱/۱۳۸۷). «استفتائات جدید». [www.leader.ir](http://www.leader.ir).
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۰/۱۰/۱۳۸۹). «رساله توضیح المسائل»، [www.saafi.org](http://www.saafi.org)
- کاتوزیان، امیر ناصر (1385). دوره مقدماتی حقوق مدنی درس‌هایی از شفعه، وصیت وارث، تهران: میزان.
- منتظری، حسینعلی (1380). رساله توضیح المسائل، قم: هاشمیون.
- محمدی، ابوالحسن (1369). کتاب ارث، تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- مهرپور، حسین (1376). بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.

هاشمی شاهرودی، محمود (1386). «میراث زوجه از اموال غیر منقول». فصلنامه فقه اهل بیت. سال سیزدهم، 2:49-16.

#### ب. عربی

ابن منظور (1419). لسان العرب. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.  
 بحر العلوم، سید محمد، (1362). بلغه الفقیه. تهران: مکتب الصادق.  
 حر عاملی، شیخ محمدحسین بن الحسن (1409). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لأحیاء التراث.  
 سید مرتضی (1415). الانتصار. قم: مؤسسه نشر اسلامی.  
 شهید ثانی (1313). رساله فی میراث الزوجه. قم: مکتب بصیرتی.  
 شهید ثانی (1410). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: انتشارات داوری.  
 شهید ثانی (1416). مسالک الأفهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه معارف اسلامی.

شیخ انصاری، مرتضی (1415). الوصایا و الموارث. قم: انتشارات باقری.  
 شیخ طوسی (1390). الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.

شیخ طوسی (1390). تهذیب الاحکام. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.  
 عاملی، سید محمد جواد (1419). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

علامه حلی (1413). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.  
 نجفی، محمد حسن (1981). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

نجفی، محمد حسن (1366). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: انتشارات المکتبه الاسلامیه.

نائینی، محمدحسین (1417). فوائد الاصول. قم: دفتر نشر اسلامی.